

داراب خان، ایل بیگی ایل قشقایی و نوه مصطفی خان پسر جانی خان بوده است. داراب خان در جریان مهاجرت به کرمان مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به قتل رسید.

اسماعیل خان صولت الدوله (سردار عشایر) در سال ۱۲۹۷ قمری متولد شد<sup>۱۹</sup> و همزمان با اعطای فرمان مشروطیت در سال ۱۳۲۴ قمری به ریاست ایل قشقایی برگزیده شد.<sup>۲۰</sup> در انقلاب مشروطیت جهت به ثمر رسیدن و حفظ آن در فارس بسیار کوشا بود.<sup>۲۱</sup> دوبار نیز از طرف مردم جهرم در ادوار پنجم و هشتم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد.<sup>۲۲</sup> آن چه مسلم است صولت الدوله و فرزندانش هیچ گاه با انگلیسها میانه خوشی نداشته اند و مأموران انگلیسی مکرر از ضدیت وی با آنها سخن رانده اند.<sup>۲۳</sup> این شاید به دلیل ضدیت مداوم وی با حکومت‌های مرکزی و نیز خاندان حامی دولت مرکزی و انگلستان در فارس (خانواده قوام الملک شیرازی) بوده است.



منطقه فارس و بنادر جنوب به دلیل وضعیت جغرافیایی آن، برای بریتانیا اهمیت استراتژیکی داشت. وجود صولت الدوله موجب عدم امنیت این مناطق می شد و انگلستان در صدد امنیت بخشیدن به این منطقه جهت حفظ منافع خویش بود. انگلستان امنیت منطقه فارس را با همراهِ کوتاه شدن دست صولت الدوله از فارس یکجا طلب می کرد. ولی صولت ایجاد امنیت را در گرو حفظ اقتدار خویش می دانست و این خود عاملی مهم در تداوم تشنج میان او و مأموران انگلیسی بود.

یکی از دلایل عمده ای که انگلستان یارای مقابله مستقیم با قشقایها را نداشت، قرارداد ۱۹۰۷ میان روسیه و بریتانیا بود. براساس این قرارداد، فارس جزو مناطق بی طرف ایران محسوب می شد.<sup>۲۴</sup> به علاوه انگلیس به اهمیت ایل قشقایی در حفظ امنیت و دفع اشرار

۱۹. رکن زاده آدمیت، فارس و جنگ بین الملل، ص ۳۳۷ (برابر با ۱۲۵۹ شمسی) ولی در مآخذ دیگر تولد وی سال ۱۲۵۲ شمسی ذکر شده است. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، ج اول ص ۱۳۹.

۲۰. رکن زاده آدمیت، ص ۳۳۷.

۲۱. قائم مقامی، جهانگیر، نهضت آزادی خواهی مردم فارس در انقلاب مشروطیت.

۲۲. فرهنگ قهرمانی، عطاء الله، فهرست اسامی نمایندگان بیست و چهار دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی و هفت دوره مجلس سنا.

۲۳. ر.ک. بشیری، احمد، کتاب آبی مجلدات دوم تا ششم (چاپ جدید). سایکس، بیرپرسی، ج دوم. رکن زاده آدمیت، فارس و جنگ بین الملل. ابرلینگ، بی پیر، سیاست قبیله ای انگلیس در ایران، ترجمه کاوه بیات مندرج در ماهنامه نامه نور، ش ۴ دهم آذر ۱۳۵۸.

۲۴. سیاست قبیله ای، ص ۷۲.

بویراحمادی واقف بود و محبوبیت کلی خان قشقایی را نیز حس می‌کرد، لذا سعی می‌کرد با پشتیبانی حکومت مرکزی و تحریک برادران صولت، گاه به گاه آنان را به قطع ارتباط با ایلخان و طمع ربودن مقام وی تشویق نماید. برادران صولت عبارت بودند از: عبدالله خان ضرغام الدوله، احمدخان ضعیف الدوله، عطاخان صولت السلطنه و علی خان سالارحشمت.<sup>۲۵</sup>

ولیکن ظاهراً این اقدامات حتی با رسمیت یافتن ایلخانی سایر برادران صولت الدوله نیز سودی نمی‌بخشید، چه، وی هم از مقبولیت عامه برخوردار بود و هم قدرت کافی و عمده را در دست داشت. سر جورج بارکلی در گزارشی به سر ادوارد گری وزیر امور خارجه انگلستان به تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۱۰ (= ۶ بهمن ۱۲۸۸ شمسی و ۱۴ محرم ۱۳۲۸ قمری) می‌نویسد:

«به نظر می‌رسد که آرامی اوضاع فارس به خواست صولت الدوله بستگی دارد.»<sup>۲۶</sup> همین مأمور انگلیسی در گزارشی دیگر می‌نویسد: «صولت الدوله عملاً حکمران فارس است و بر وفق میل مشارالیه قوافل راه جره را به کار می‌برند.»<sup>۲۷</sup> این اقتدار گاه تا حدی بود که منجر به تغییر وزرا نیز می‌گردید. فرمانفرما وزیر داخله، به دلیل مخالفت با عزل صولت الدوله از ایلخانی گری قشقایی، مستعفی گردید. به عقیده وی عزل صولت الدوله در آن هنگام اوضاع وخیم تری در فارس تولید می‌کرد. در صورتی که سایر اعضا کابینه، خلاف نظر وی را داشتند.<sup>۲۸</sup> گذشت زمان صحت نظر فرمانفرما را به اثبات رساند.

یقیناً صبر و تحمل بریتانیا در برابر ترکنازی سردار عشایر بی انتها نبود. با شروع جنگ جهانی اول و بیشتر شدن اهمیت استراتژیکی راههای فارس و جنوب، انگلستان بدون توجه به دولت مرکزی، یک نیروی مستقل انگلیسی جهت حفظ امنیت منطقه و حمایت از منافع بریتانیا ایجاد نمود. این قوا «تفنگچیان جنوب ایران (THE SOUTH PERSIAN RIFLES)» نام داشت که به اختصار «SPR» و یا «پلیس جنوب» نامیده می‌شد.<sup>۲۹</sup>

از ابتدای ورود قوای پلیس جنوب به ایران، مردم بنادر جنوب و فارس با آنان به مقابله متشکل و غیرمتشکل پرداختند. صولت الدوله و کل قشقایها در بدو امر فکر مقابله را در سر نمی‌پروراندند. ولی هنگامی که انگلیسیها محمد علی خان کشکولی را علیه مجاهدان تحریک

۲۵. چادرنشینان قشقایی فارس، ص ۲۳۹.

۲۶. سیاست قبیله‌ای، ص ۷۷.

۲۷. کتاب آبی، ج ۱ ص ۸۲۴.

۲۸. نوایی، عبدالحسین، دولتهای عصر مشروطیت ص ۱۷۷ و کتاب آبی، ج ۱ ص ۹۴۷.

۲۹. احتمالاً نخستین و بهترین تحقیق جامع درباره پلیس جنوب کتاب «پلیس جنوب ایران» می‌باشد. این کتاب نوشته فلوریدا سفیری است که به عنوان رساله دکتری به دانشگاه ادموورگ اسکاتلند تقدیم شده است و منصوبه اتحادیه و منصوبه رفیعی آن را ترجمه نموده‌اند.

نمودند و او را وادار کردند با تسلیم خود به دولت مرکزی، عملاً امر سردار عشایر را زیر پا گذارد.<sup>۳۰</sup> صولت نیز تصمیم به اتحاد با ناصر دیوان کازرونی علیه انگلیس گرفت.<sup>۳۱</sup> (محمد علی خان کشکولی پنهانی قبول کرده بود که در ازای هفت هزار تومان و مقداری آرد، قلعه جنگ نزدیک کازرون را از تصرف اتباع ناصر دیوان خارج کند و هنگامی که صولت الدوله وی را از این کار و عواقبش برحذر داشت، به کلی منکر قضیه گردید.)<sup>۳۲</sup> ایوست بکم!

این موضوع به تنهایی موجب شروع جنگ میان قشقایی ها و انگلستان نشد. دولت آلمان نیز با استفاده از روحیه ضد انگلیسی صولت، مرتب وی را علیه بریتانیا تحریض می نمود. در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۵ وزیر مختار آلمان، نامه ای به صولت الدوله قشقایی نوشت. در این نامه روحیه ضد انگلیسی صولت و تدین علمای فارس دقیقاً مدنظر قرار گرفته است:

پهران به تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۵ مطابق سلخ شوال ۱۳۳۳ - جناب صولت الدوله ایلخانی محترم ایل جلیل قشقایی جناب مستطاب دوستان استظهاراً مشفقاً مکرمأ مهرباناً نظر به دوستی و مودتی که همواره آن جناب با قسولهای آلمان در بوشهر و شیراز داشته اند دوستدار در مقام مصادعت برآمده به وسیله شخص محترم و معززی که از طهران به شیراز مسافرت می کند به نگارش این مکتوب مبادرت می ورزد. از تمام قلب نهایت امتنان را از جنابعالی دارم که همیشه روابط خود را با نمایندگان دولت امپراطوری آلمان محفوظ داشته و از این حسن رفتار خویش منافع ایران را که با مصالح آلمان توأم است منظور فرموده اید. دولت آلمان دوست حقیقی ایران و اعلی حضرت شاهنشاه تاجدار ایران و طالب استقلال و محرومیت ایران است. چون امپراطور مفخم آلمان اظهار فرموده است که با قدرت کامله و بازوی توانای خویش به مساعدت اسلام اقدام می فرماید، تکلیف هر ایرانی و هر مسلمانی است که از همراهی با دشمنان اسلام و ایران خاصه با انگلیسها استنکاف ورزد. انگلیسها در موقع تصرف و الحاق بندر بوشهر بطور وضوح ثابت کردند که در فکر معاضدت با ایران نیستند، بلکه می خواهند خاک پاک این مملکت را گرفته آزادی و استقلال ملی سواران شجاع و سلحشور ایرانی را در تحت رقیت و اسارت انگلیس درآورند. مدتی است که دوستدار نام آن جناب را مثل یک شخص وطن پرست و صمیمی نسبت به دولت متبوعه خودتان و حامی و پای بند دین مقدس اسلام شناخته و دوستی با شما را بسیار مغتنم می شمارم. مطمئن باشید همانطور که آلمانها با

۳۰. سازمان اسناد ملی ایران، بایگانی راکد وزارت کشور، سند ش ۳۲۱۹.

۳۱. رکن زاده آدمیت، ص ۳۳۷ و پیمان، ص ۲۱.

۳۲. رکن زاده آدمیت، ص ۳۳۳.



دشمنان خود معامله شدید می‌نمایند و دمار از روزگار آنها برمی‌آورند، همان قسم نسبت به دوستان خویش صادق و ثابت قدم هستند. چنانچه آن جناب بخواهند با دوستدار طرف مکاتبه واقع شوند خوب است به وسیله قنصل آلمان مقیم شیراز که مورد اعتماد تام دوستدار می‌باشد و همیشه برای مذاکره با جنابعالی حاضر خواهد بود اقدام فرمایند. در خاتمه برای بروز دوستی باطنی خود به اسم یادبود تحفه محقری خدمت عالی ارسال داشته امیدوار است با قبول آن قرین امتنانم فرمائید. موقع را برای اظهار مودت خالصانه و احترامات فائقه مغتنم می‌شمارم.

امضاء شاهزاده هانری سی و یکم دو روئیس،

وزیر مختار اعلی حضرت قوی شوکت امپراطور کل ممالک آلمان.

تحفه ارسالی عبارت بود از یک تفنگ که روی آن کاغذی بدین مضمون به زبان فارسی الصاق شده بود: « این تفنگ را مخصوصاً اسلحه‌ساز اعلی حضرت امپراطور برای جناب صولت الدوله قشقایی ساخته و پرداخته است. بسیار سبک است و باید با باروت سیاه پر شود زیرا باروت بی‌دود به لوله آن ضرر می‌رساند». <sup>۳۳</sup>

مأمورین آلمانی از جمله ویلهلم واسموس و اسکار فن نیدرمایر مکرر از حمایت صورت الدوله از آلمانها علیه استعمار انگلیس سخن گفته‌اند. <sup>۳۴</sup>

سومین عاملی که موجب داخل شدن سردار عشایر در جنگ گردید، حکم جهاد سید عیدآ حسین لاری مجتهد بزرگ فارس بود که باعث تحریک عشایر و صولت گردید. <sup>۳۵</sup>

آخرین عامل بروز جنگ میان نیروهای انگلیس و قشقایها زد و خورد سختی بود که در حین مهاجرت طوایف کشکولی و دره‌شوری میان آنان و قوای هندی پلیس جنوب رخ داد. انگیزه این زد و خورد ظاهراً گم شدن دو رأس الاغ سربازان هندی بوده است! <sup>۳۶</sup>

صولت الدوله پس از یک مکاتبه سرد و خشن با سرپرسی سایکس، از ناصر دیوان کازرونی خواست تا مهیای نبرد شود. در اولین برخورد پست‌خان زنیان به تصرف مجاهدین قشقایی و کازرونی درآمد. جنوبیها پس از مدتی که به فتوحاتشان ادامه دادند، موفق به محاصره شیراز گشتند. مدت یکماه و نیم پیروزی ادامه داشت. ساخلوهای قوام‌آباد، زرقان و

۳۳. مورخ الدوله سپهر، احمد علی، ایران در جنگ بزرگ، ص ۲۰۸.

۳۴. فن نیدر مایر، اسکار، زیر آفتاب سوزان ایران، ترجمه کیکاوس جهاننداری ص ص ۴۱، ۲۸۵ تا ۲۸۹ و چادرنشینان قشقایی ص ص ۱۲۹ تا ۱۳۶ همچنین سایکس، کریستوفر، فعالیت‌های جاسوسی واسموس یا لورنس آلمانی ترجمه حسین سعادت نوری.

۳۵. رکن زاده آدمیت ص ص ۳۵۵ تا ۳۵۷.

۳۶. پیمان، ص ۲۳.

می‌سوند در جاده شیراز - اصفهان نیز به وسیله عشایر خلع سلاح گردیدند. در آستانه فتح کامل مجاهدین، انگلیسها از حربه قدیمی اختلافات میان برادران صولت الدوله سود جستند و با خریدن دو تن از آنان، کفه ترازو را به سود خود سنگین کردند. به علی خان سالارحشمت ده هزار لیره طلا و وعده ایل بیگی و به احمدخان ضیغم الدوله سی هزار لیره طلا و وعده ایلخانی داده شد. محمد علی خان کشکولی (پسر دایی صولت الدوله) که قبلاً مذاکرانش را با انگلیسها آغاز نموده بود، با دریافت پانزده هزار تومان، مقداری اسلحه و وعده حکومت کازرون و ریاست راه شیراز - کازرون به سالارحشمت ملحق گردید.

درست در همین موقع، وثوق الدوله رئیس الوزرا، دستور سرکوبی کامل صولت الدوله را صادر کرد. شیوع بیماری آنفلوآنزا و نزدیک شدن پایان جنگ جهانی اول به نفع متفقین کار را بر قشقایها سخت تر کرد. عشایر در فیروزآباد شکست سختی از بریتانیا خوردند. پس از فیروزآباد، کازرون نیز به اشغال پلیس جنوب درآمد. با فتح کامل بریتانیا و شکست نهایی صولت الدوله، آزادی خواهان بسیاری در شیراز اعدام گشتند. پس از این حرکت صولت الدوله حاضر به صلح گردید: محمد ناصرخان قشقایی فرزند ارشد صولت به نمایندگی از طرف پدر به شیراز رفت و با حضور فرمانفرما و کلنل آرتن انگلیسی قرارداد ذیل منعقد گردید:

- ۱ - سردار احتشام موقناً ایلخانی باشد ولی عشائری که در خدمت سردار عشائر هستند باشند.
- ۲ - کلیه املاک شخصی سردار عشائر که فعلاً در تصرف انگلیسها و سردار احتشام است مسترد شود و متصرفین فعلی را حق مداخله در آنها نباشد.
- ۳ - سردار عشائر در فیروزآباد مقیم گردد و به بیلاق نرود.
- ۴ - محمد ناصرخان به عنوان رابط بین والی ایالت فارس و پدرش در شیراز مقیم باشد.
- ۵ - در مقابل انگلیسها متعهد می‌شوند که قوای هندی و انگلیسی را منتهی تا شش ماه پس از عقد پیمان از ایران بیرون برند و فقط مستحقین قونسلخانه که در حدود دویست نفر هستند باقی بمانند.

۶ - پلیس جنوب حق ورود به خاک قشقایی را ندارد، و اگر افراد آن برخلاف پیمان آن حدود آمدند و کشته شدند، سردار عشائر مسئول نخواهد بود.

۷ - چون دولت ایران موافقت کرده است که چند نفر از صاحب منصبان انگلیسی برای تربیت افراد ایرانی در فارس بمانند، لذا سردار عشائر مخالف توقف آنها نخواهد بود.<sup>۳۷</sup>

با شکست سردار عشایر در جنگ و امضای قرارداد صلح و به دنبال آن امضای قرارداد ۱۹۱۹ توسط وثوق الدوله، از نفوذ و اعتبار صولت الدوله در منطقه کاسته شده بود. به خصوص که وی دیگر ایلخان قشقایی نیز محسوب نمی‌شد. انتخاب مرحوم دکتر محمد مصدق به والیگری فارس موجب اقتدار نسبی مجدد صولت الدوله گردید<sup>۳۸</sup>، ولی بار دیگر این تسلط با کودتای ۱۲۹۹ کاهش یافت. با اوج گرفتن اقتدار سردار سپه و به سلطنت رسیدن وی، صولت نیز به مرور افول نمود. در دوره هشت به همراه پسرش محمد ناصر به نمایندگی مجلس انتخاب شد. یک بار در سال ۱۳۰۸ جهت ملاقات با رضاشاه و سرتیپ شیبانی (وزیر فواید عامه) وارد تهران گردید. به طوری که می‌گفتند از وی خواسته شده بود تا شورش برادرش علی‌خان را ساکت کند.<sup>۳۹</sup>

رضاشاه تا هنگامی که مستوفی الممالک در قید حیات بود، به ملاحظه وی آزاری به صولت الدوله و محمد ناصر خان نرساند<sup>۴۰</sup>، ولی به محض فوت شدن مستوفی، در همان روز دستور حبس آن دو را صادر کرد. روز ۱۱ شهریور ۱۳۱۱ چند روز پس از دستگیری آن دو، مجلس بدون گفتگو و بحث از هردو سلب مصونیت نمود. این سلب مصونیت اولین مورد در تاریخ حکومت مشروطه در ایران به شمار می‌رفت<sup>۴۱</sup>. سردار عشایر در اواخر همان سال (۱۳۱۱ شمسی) در زندان به طور مرموزی درگذشت. هر چند پس از مرگ وی، نوع مرگ او قتل حدس زده می‌شد ولی، ناصرخان در خاطراتش ضمن ملاقات با رییس ستاد وقت خطاب به محمدرضا شاه می‌گوید: «فکر می‌کنید پدر ما را پدر شما کشته است، ما سوءظن داریم؟ اولاً درست است [که] پدر ما در محبس اگر نبود به واسطه معالجه ممکن بود نمیرد، ولی به دست پدر شما کشته نشد...»<sup>۴۲</sup> پس از مرگ صولت، اراضی و اموال وی نیز مصادره گردید که در مجلس چهاردهم، دکتر محمد مصدق علیه تصرف این اموال اعلام جرم کرد.<sup>۴۳</sup>

به طور کلی درباره اسماعیل خان صولت الدوله می‌توان گفت که وی کلیه خصوصیات یک ایلخان را دارا بوده است. گذشته از استقلال رأی و پشتوانه مردمی قوی و روحیه ضد انگلیسی بقیه خصائص خوانین را نیز دارا بوده است. لذا اشتباه است اگر وی با یک سیاستمدار مرکز نشین قیاس شود. خوی ایلخانی وی اجازه کارهایی که در عرصه وقمانون

۳۸. مصدق، محمد، خاطرات و تأملات، به کوشش ایرج افشار، ص ۱۲۲.

۳۹. تاینز لندن، روزنامه، ۱۵ ژوئیه ۱۹۲۹ (۲۴ تیر ۱۳۰۸).

۴۰ و ۴۱. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، ج ۱ ص ۱۳۹.

۴۲. خاطرات محمد ناصر صولت قشقایی ص ۱۵۹.

۴۳. کی استوان، حسین، سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم ج ۲ ص ۱۶۹ تا ۱۷۴.



شهرنشینی جسم بوده به وی می‌داده است<sup>۱۴</sup>. صولت الدوله چهار پسر از خود باقی گذارد:  
محمدناصر، ملک منصور، محمدحسین و خسرو.

•••

نگارنده این خاطرات محمد ناصر صولت قشقایی، فرزند اسماعیل خان صولت الدوله،  
فرزند داراب خان ایل بیگی، فرزند مصطفی قلی خان، فرزند جانی خان، فرزند اسماعیل خان  
فرزند جانی آقا قشقایی است.

ناصر قشقایی در سال ۱۲۷۸ شمسی به دنیا آمد. از کودکی در کنار پدر به امور ایلاتی  
پرداخت. در جریان جنگ جهانی اول و ابتدای مقابله قشایها با بریتانیا به نمایندگی از  
طرف پدر به مذاکره با دشمنان پرداخت<sup>۱۵</sup>. پس از شکست در جنگ نیز چنان که ذکر شد، از  
جانب صولت با انگلستان قرارداد صلح امضا نمود. در دوره هشتم نیز به همراه پدرش به  
نمایندگی مجلس انتخاب شد و با وی نیز دستگیر گردید. وی مدتی پس از مرگ  
صولت الدوله، از زندان آزاد گردید. (رهای وی ظاهراً به دلیل جشنهای ازدواج محمدرضا  
پهلوی و ملکه فوزیه بود.) پس از آزادی، ابتدا به خراسان رفت. سپس دوباره به تهران بازگشت  
و در آدران شهریار به کشاورزی مشغول گردید<sup>۱۶</sup>. و به دنبال حوادث شهریور ۱۳۲۰ شمسی  
خودسرانه به فارس و میان ایل بازگشت.

هرچند وقایع شهریور ۱۳۲۰ موجب آزادی نسبی در ایران گردیده بود ولی، ایل  
قشقایی کماکان تحت مراقبت بود و مکرراً درباره اعمال و حرکات آنان گزارشهای مختلفی  
به مرکز ارسال می‌شد. وزیر کشور وقت (سرلشکر جهانبانی) طی تلگراف رمزی به تاریخ  
۱۳۲۰/۸/۲۷ به استاندار فارس می‌نویسد: «برای جلب ناصر قشقایی چه اقدامی در نظر  
دارند؟ آیا صلاح می‌دانید از طرف دولت به وی خدمتی مراجعه شود؟ و اگر خود این جانب به  
آن حدود بیایم برای رفع سوء تفاهمات که پیش آمده است، ممکن است با این جانب به  
طهران آمده و با دستور و مأموریت دولتی به آن حدود مراجعت نماید؟ وزیر کشور.»<sup>۱۷</sup> ایوست

۴۱. مهدی نیا، جعفر، زندگینامه سیاسی قوام السلطنه ص ص ۴۵۰ تا ۴۵۴. لازم به تذکر است که منبع یاد شده در  
بعضی موارد از جمله قتل سرلشکر شبانی (که ظاهراً بی اساس است) و بزرگتر بودن ملک منصور قشقایی از  
محمد ناصر، ناصحیح و غیرموتوق به نظر می‌رسد. نیدر مایر، ص ۳۵۸. سعیدی سیرجانی، علی اکبر، وقایع  
اتفاقیه گزارش خفیه نویسان انگلیس ص ص ۶۸۹ تا ۶۹۲ و قاسمی، ابوالفضل، تاریخ سیاه یا حکومت  
خانواده‌ها.

۴۵. رکن زاده آدمیت، ص ص ۳۴۰ تا ۳۴۴.

۴۶. قوام، ص ۴۴۴.

۴۷. بایگانی راکد وزارت کشور، سازمان اسناد ملی ایران، نامه شماره ۱۰۲۵.

## شماره ۱۲

جواب شمس ملک آرا استاندار فارس به نامه سرلشکر امان‌الله جهانبانی بسیار خواندنی و حاوی نکاتی مهم است: «ناصر قشقایی اگر مجبور نشود، شیراز یا تهران نخواهد آمد. موضوع جنبه سیاسی دارد. از انگلیس‌ها بیم دارد و به آلمان امیدوار [می‌باشد]. برادرش [ملک منصور] در برلن اطمینان‌هایی گرفته و وعده‌هایی داده، مأموریت دادن به ناصر بر فرض تمکین ظاهر ممکن است خودآرایی کند و منتظر فرصت شود. از طرف دیگر انگلیسها برای حمل مهمات مشغول راه‌سازی شده‌اند و در مقابل کنتراتی‌ها تعهد امنیت کرده‌اند و ممکن است برای رفع بی‌نظمی دخالت کنند. متأسفانه اغتشاش رو به تزاید است. راه انتظام فارس به نظر بنده آن است که خود تیمسار وزیر کشور یا یک افسر ارشد لایق با قوه کافی غیرمحملی تشریف بیاورند و قوای محلی را از این منطقه دور کنند. شمس ملک آرا»<sup>۴۸</sup> [پیوست شماره ۱۳]

ظاهراً امیدواری و ارتباط ناصرخان با آلمانها صحت داشته است. این موضوع به صراحت در خاطرات سیر ریدر بولارد آمده است.<sup>۴۹</sup> حبیب‌الله نوبخت نماینده مجلس، فردی که متهم به همکاری مستقیم با آلمانها علیه متفقین بوده، مدتها با پسرش نزد ناصرخان مخفی گردیده بود.<sup>۵۰</sup> دکتر شولتس جاسوس و دیپلمات آلمانی در جنگ جهانی دوم در خاطرات خود به رفتن خود به میان ایل قشقایی به تشویق نوبخت اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«ناصرخان روی این مسئله که می‌خواهد با دولت آلمان همکاری کند تکیه می‌نمود و من هم به او قول دادم که جریان را به اطلاع مقامات دولت آلمان برسانم»<sup>۵۱</sup> مدتی بعد جاسوسان انگلیسی از حضور شولتس در میان ایل قشقایی باخبر شدند. انگلیسها به ناصر پیشنهاد پنج میلیون تومان پول کردند تا در ازای آن شولتس به آنان تحویل داده شود ولی ناصر از وجود وی در میان ایل اظهار بی‌اطلاعی کرد.<sup>۵۲</sup> شولتس ناصرخان را ترغیب به خرید سلاح جهت مقابله با متفقین نمود.<sup>۵۳</sup> حتی ناصرخان دستور داده بود در فراشند و قیروزآباد دو فرودگاه جهت فرود آمدن هواپیماهای آلمانی ساخته شود. ساختمان این فرودگاهها تحت نظر یک نفر آلمانی به نام کنستانتین ژاکوب انجام می‌شد.<sup>۵۴</sup>

۴۸. همان، نامه شماره ۱۰۳۵.

۴۹. بولارد، سیر ریدر و اسکرین، سیر کلارمونت، شترها باید بروند، ترجمه حسن ابوزریبان، صص ۹۹ و ۱۰۰.

۵۰. نوبخت، حبیب‌الله، خاطرات مندرج در مجله خاطرات وحید.

۵۱. مورخ الدوله سپهر، احمد علی، ایران در جنگ جهانی دوم، صص ۲۵۷ تا ۲۵۹.

۵۲. همان، صص ۲۵۹ و ۲۶۰.

۵۳. همان، صص ۲۶۰.

۵۴. همان، صص ۲۶۱.



ژنرال زاهدی که از طرفداران فعال آلمان هیتلری بود و در آن هنگام فرمانده لشکر اصفهان بود، پس از مدتی که تحت نظر بود در منطقه اصفهان دستگیر گردید. به دنبال دستگیری زاهدی توسط انگلیسی ها، سرلشکر شاه‌بختی به جانشینی وی منصوب شد و مدتی بعد هبشی از طرف او جهت مذاکره با ناصرخان به ارتفاعات فراشند آمد. در این ملاقات برخلاف نظر خان قشقایی هیچ صحبتی از خودمختاری ایل قشقایی نشد، بلکه شاه‌بختی مطرح نمود که در برابر بیست میلیون تومان پول نقد، ناصرخان اسلحه، مهمات و میسون نظامی آلمان را به دولت تسلیم نماید. ناصرخان گفته بود: «به شاه‌بختی بگوئید شما به آن پستی و رذالتی که در تهران رفتار می‌کنید با عشایر میهن پرست نمی‌توانید معامله کنید. شما نمی‌توانید غرور و آزادگی عشایر را به طلای نفرت آور خود بخرید.»<sup>۵۵</sup>

شولتس در این باره نکته بسیار مهمی را مطرح می‌سازد: «فهمیدم چون هیئت، اصولاً مسئله خودمختاری را مورد توجه قرار نداده و آن را از برنامه مذاکرات حذف کرده است، ناصرخان هم عصبانی شده و پیشنهادات هیئت را غیرقابل قبول دانسته است، زیرا خوب می‌دانستم که هدف ناصرخان از کلیه اقداماتی که می‌کند فقط به دست آوردن استقلال داخلی برای منطقه قشقایی می‌باشد.»<sup>۵۶</sup>

پس از این ملاقات ناصرخان از شولتس می‌خواهد تا قوایش را به فنون جنگهای جدید آشنا کند. پس از شروع حمله قوای دولتی، نیروهای خسرو قشقایی در سمیرم شکست سختی به قوای دولتی وارد آوردند و تلفات سنگینی به آنان وارد ساختند.<sup>۵۷</sup>

چند روز پس از فتح قشقایها، شاه‌بختی از طرف دولت آماده مذاکره صلح با ناصرخان گردید. مهمترین شرط ناصرخان برای شروع مذاکرات صلح عبارت بود از: به رسمیت شناختن استقلال و خودمختاری منطقه قشقایی و این شرطی بود که یکایک افراد قشقایی با آن موافق بودند و اصولاً برای به دست آوردن آن جنگ و مبارزه می‌کردند.<sup>۵۸</sup>

ناصرخان با حيله گری سیاستمداران خود هنگامی که فهمید وجود شولتس و همراهانش مخل مذاکرات صلح با دولت مرکزی است، با حيله آنان را میان ایل بویراحمدي و سپس به زندان متفقین فرستاد!<sup>۵۹</sup>

۵۵. همان، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

۵۶. همان، ص ۲۶۶.

۵۷. شترها باید بروند، ص ۶۹. ایران در جنگ جهانی دوم، ص ۲۶۶ و ۲۶۷. خاطرات متحن الدوله، ص ص ۳۵۶ تا ۳۶۱ و قوام، ص ص ۴۴۵ تا ۴۴۹.

۵۸. ایران در جنگ جهانی دوم، ص ۲۷۱.

۵۹. همان، ص ص ۲۷۱ تا ۲۷۶.

درحقیقت شورش سمیرم اول به نفع قشقایی ها تمام شد و بعد به سود دولت مرکزی و انگلستان. چرا که هم قشقاییها به مقداری از خواسته هایشان رسیده بودند، هم دولت مرکزی تا مدتی طولانی از خطری بالقوه رهاشده شده بود و هم انگلستان موفق به قطع ایادی رایش سوم در منطقه فارس گردید. مضاف بر این که این شورش، خوانین را به استانداری، فرمانداری و وکالت نیز رسانید.



به هنگام نخست وزیری قوام در سال ۱۳۲۵ و مدتی پس از بروز حادثه فرقه دمکرات در آذربایجان و اعلان خودمختاری آن خطه، در فارس نیز شورش به راه افتاد. سران ایل قشقایی طی تلگرافی به دولت وقت خواسته های خویش را بدین شرح اعلان کردند:

۱- اخراج وزیران توده ای از کابینه و تغییر رؤسای ناصالح در ارتش.  
 ۲- واگذاری کارهای ادارات فارس از لشگری و کشوری به خود اهالی فارس که تحت نظر مردم اداره شود.

۳- تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی در فارس.

۴- ازدیاد نمایندگان مجلس به تناسب جمعیت.

۵- اختصاص مبلغ کافی جهت عمران، فرهنگ و بهداشت محلی.

۶- تجدید نظر در قوانین مضری که منافی قانون اساسی است.

۷- اتصال راه آهن مرکزی به شیراز و بوشهر و اسفالت جاده ها.

امضاء کنندگان: محمد ناصر قشقایی - ملک منصور قشقایی - خسرو قشقایی -

محمد حسین قشقایی.<sup>۶۱</sup>

از جانب نخست وزیر، هیشی مرکب از اعزاز نیک پی معاون نخست وزیر، سردار فاخر حکمت استاندار فارس، علی هیئت دادستان دیوان کشور، سر پاس صفاری رئیس کل شهربانی و امیر همایون بوشهری عازم شیراز شدند. پیش از این هیئت نیز سرلشکر زاهدی عازم منطقه گردیده بود. نکته جالبی که در بافت این هیئت وجود داشت این بود که همگی اعضای آن از دوستان صمیمی خود ناصرخان بوده اند. در این مدت عشایر فارس پس از تصرف بوشهر و

۶۰. نجاتی، غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد، صص ۶۵ و ۶۶ و هدایت، مهدقلی، خاطرات و خطرات، صص ۱۵۱. قوام، صص ۴۶۶ تا ۴۶۹ و نیز کتاب مهم و با ارزش اسرار نهفت جنوب نوشته اسماعیل نورزاده بوشهری.

۶۱. جامی، گذشته چراغ راه آینده است، چاپ ققنوس صص ۱۳۳.

کازرون، خود را برای تصرف شیراز آماده می‌کردند. سرلشکر زاهدی در پاسخ به درخواست نمایندگان فارس مبنی بر مقابله با عشایر گفت: «این کار مربوط به من نیست. ما قصد برادرکشی نداریم و می‌خواهیم قضایا را با مسالمت حل کنیم.»<sup>۶۲</sup>

در این حادثه که به سرعت خاتمه پیدا کرد، تعداد زیادی از افسران و عشایر به قتل رسیدند و چندین مرتبه مقر ایل نیز توسط نیروی هوایی بمباران شد.<sup>۶۳</sup> در شیراز دو نفر از خلبانان به جرم حمله هوایی به چادر ناصرخان واقع در آق چشمه تویخ شدند.<sup>۶۴</sup> پس از مدت کمی مذاکره، هیئت صلح به اتفاق ناصر بر اصول زیر توافق نمودند و غائله خاتمه پیدا کرد:

۱- اجرای کامل قانون اساسی ۲- تشکیل انجمنهای ایالتی فارس ۳- ازدیاد تعداد وکلای فارس ۴- اتصال راه آهنهای کشور به فارس ۵- اسفالت جاده‌های فارس ۶- تعمیم و توسعه امور بهداشت و فرهنگ فارس ۷- اصلاح امور اقتصادی ۸- اصلاح قوانین مربوط به فارس ۹- انتخاب مأمورین انتخابات از میان اهالی فارس ۱۰- اعلان عفو عمومی در فارس ۱۱- ابقاء و برقراری و تداوم نهضت ملی فارس بر اساس وطن پرستی و حفظ استقلال و تمامیت کشور ایران و به اتکا شخص جناب اشرف آقای قوام السلطنه.<sup>۶۵</sup>

چنان که در آخر همین اعلامیه آمده است نهضت فارس به رهبری شخص قوام السلطنه بر پا گردید و انگیزه عمده از آن ایجاد تسهیلات جهت حل مشکل آذربایجان و اخراج وزرای توده‌ای (فریدون کشاورز، ایرج اسکندری، مرتضی یزدی) از کابینه بود. هرچند وزرای توده‌ای و دیگر صاحب‌منصبان این حزب (از قبیل عباس اسکندری شهردار تهران) خود استعفا دادند ولی درحقیقت، شرایط خاص جامعه آنان را وادار به کناره‌گیری نمود. ضمناً خود قشقایها نیز بار دیگر به بعضی از خواسته‌هایشان رسیده بودند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که ناصر قشقای از قدیم الایام رابطه خوبی با قوام داشت و حتی هنگام انتخاب مجدد وی به نخست‌وزیری برای اولین بار در طول حیاتش به وی تبریک گفت. این تلگراف دو هفته قبل از شروع ماجرای فارس مخابره شده است:

«حضور مبارک حضرت اشرف آقای قوام السلطنه نخست‌وزیر محبوب دامت عظمته.

از رادیو شنیده شد مجلس با اکثریت تمام رأی اعتماد به ابقای مقام شامخ نخست‌وزیری

۶۲. ایران ما، روزنامه، مورخه ۱۳۲۵/۷/۱۴.

۶۳. اطلاعات، روزنامه، نهم، سیزدهم و پانزدهم مهر ۱۳۲۵.

۶۴. ایران ما، مورخه ۱۳۲۵/۷/۱۷.

۶۵. اطلاعات، مورخه ۱۳۲۵/۷/۲۵.



حضرت اشرف داده، با نهایت شرف و مسرت تبریکات صمیمانه تقدیم و مخصوصاً این شادباش موفقیت را نه تنها به حضرت اشرف بلکه به خود و عموم ملت ایران می‌گویم. نیز باید عموم از مجلس امیدوار بود که در این موقع خطیر و بحران مملکت تشخیص داده‌اند تنها کسی که می‌تواند این مشکلات را مرتفع نماید، حضرت اشرف می‌باشد. امیدوارم خود بنده هم قریباً به مرکز آمده از زیارت وجود مبارک بهره‌مند گردد. اوامر مطاعه را پیوسته تا زمان شرفیابی منتظرم.»<sup>۶۶</sup>

محمد ناصر قشقایی

[پیوست شماره ۱۱]

نکته مهمی که در این ماجرا و کلاً در تاریخ ایل قشقایی وجود دارد این است که رهبران قشقایی اصولاً منافع شخصی و ایلی خود را به هر چیز دیگری ترجیح داده‌اند. در مراحل مختلف زمانی، بر اثر اقدامی از جانب آنان دولتهای بیگانه و یا حکومتهای مرکزی و یا حتی مخالفان حکومت به نتیجه مطلوب رسیده‌اند ولی همواره مهمتر از همه خود قشقایها به خواسته‌هایشان دست یافته‌اند. به عبارت دیگر هر شخص یا جریان با هر انگیزه‌ای به روند خواسته‌های ایل قشقایی و سران آن کمک کند، قشقایی‌ها تا مدتی که به او نیاز دارند با آن همراهی می‌کنند. در ادامه همین ماجرا نیز پس از مدت کمی شاه فرمان عفو عمومی صادر کرد و ماجرا عملاً پایان یافته تلقی شد:

«نظر به این که از سال ۱۳۲۰ در استان فارس حوادثی رخ داده و در اثر آن عده‌ای از افراد ایلات و شهرنشینان آن استان اقداماتی نمودند که از مراتب میهن‌دوستی آنان انتظار نمی‌رفت و از این جهت بیم آن را دارند که مورد بی‌رحمتی ما واقع گردند، چون همواره احساسات میهن‌پرستانه آنها منظور نظر بوده و خاطر خطیر ملوکانه ما نیز جز تأمین رفاه و آسایش افراد اهالی کشور هدف دیگری نداشته و همه وقت معطوف به بسط عدالت و تشویق مردم به کوشش و اطاعت قوانین مملکت می‌باشد، لذا مقرر می‌داریم جناب اشرف نخست‌وزیر، شمول مرحام ملوکانه ما را به عموم اهالی فارس اعم از شهری و ایلی غیره ابلاغ کرده و آنها را مطمئن سازد مادام که در آتیه عملی مخالف قوانین کشور و یا منافی امنیت و آسایش عموم مرتکب نگردند، مورد عواطف ملوکانه بوده و از هر قسم تعرض مصون و محفوظ خواهند بود.»<sup>۶۷</sup>

محمد رضا پهلوی

[پیوست شماره ۱۵]

و بالاخره خود ناصرخان غرض اصلی نهضت را این گونه بازگو کرد:

«چون حکومت دموکرات آذربایجان به استقلال ایران آسیب بزرگی می‌رساند و کار به جایی رسید که مرکز نیز داشت به وسیله احزاب و فرق چپ و تندرو اداره می‌شد، با وجود احتمال هرگونه عیب‌جویی، دست به این نهضت زده شد و با این که همه می‌دانستند که نهضت جنوب پایه علمی و فرهنگی ندارد و قابل بقاء و دوام نیست، به عنوان یک مانور سیاسی و حساس بر له کشور از آن استفاده شد... عده‌ای ماجراجو و غارتگر از این هیجان عمومی سوءاستفاده کرده، باعث ناامنی و غارتگریهایی در برخی از نقاط فارس شدند... و در نقاطی ماجراجویان توانستند به مردم بی‌گناه و بی‌خانمان آزارهایی برسانند... از نظر بین‌المللی حادثه فارس به نفع عده‌ای از دول خارجی بود...»<sup>۶۸</sup>

محمد ناصر قشقایی و برادرانش از شروع نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران، به طور همه‌جانبه به یاری دکتر محمد مصدق شتافتند. آنان حتی تا بعد از کودتای ۱۳۳۲ از مصدق و راهش علیه انگلیس حمایت کردند. از آن‌جا که در کتاب حاضر این موضوع به وضوح ذکر شده است، لذا به ذکر دو نقل قول از شاه و چرچیل درباره قشقاییها از کتاب ضد کودتا کریمت روزولت طراح اصلی کودتا اکتفا می‌شود.

قسمتی از مذاکرات شاه و روزولت چنین است:

«... دوستان شما خانهای قشقایی، شما درباره آنها درست می‌گفتید. شنیدم به تهران آمده و شما را تهدید کرده بود. آنها نمی‌توانند در مملکت بمانند. آنها باید تبعید شوند. من [روزولت] با موافقت کامل و قاطعانه اشاره کردم، بهتر است مواظب آنها باشید که مبادا دوباره یواشکی برگردند. آنها دشمنانی هستند که باید جدیشان گرفت.»<sup>۶۹</sup>

چرچیل نیز در ملاقات با روزولت درباره قشقاییها چنین می‌گوید:

«هیچ وقت نمی‌شود به این قشقاییهای لعنتی اعتماد کرد. در جنگ اول و دوم آنها پدر ما را درآوردند. شما خیلی عاقلانه رفتار کردید که از رفتن شاه به شیراز جلوگیری کردید.»<sup>۷۰</sup>

ناصر قشقایی در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۲ در کشور آمریکا درگذشت. ریاست ایل هم اکنون با ملک منصور قشقایی است، محمدحسین قشقایی در لندن به سر می‌برد و خسرو قشقایی در سال ۱۳۶۱ به اتهام ایجاد بلوا، فساد و روابط با آمریکا اعدام شد.



۶۸. ارس، روزنامه، مورخه ۱۳۳۵/۱۲/۱.

۷۰. همان، ص ۲۲۰.

۶۹. روزولت، کریمت، ضد کودتا، ترجمه علی اسلامی، ص ۲۱۴.

کتاب حاضر خاطرات محمد ناصر صولت قشقایی است که به طور روزانه از اول فروردین ۱۳۲۹ تا سی ام آذر ۱۳۳۲ نوشته شده است. خاطرات بسیار دقیق و منظم نوشته شده و تنها در چند مورد نام اشخاص خالی مانده بود که در صورت شناخته شدن با ذکر پاورقی تکمیل شد و در غیر این صورت خالی مانده است. در بازنویسی جمله بندی ناصرخان، حتی المقدور حفظ شده است. برای سهولت فهم گاهی کلماتی در [ ] به آن اضافه گردید، است و در صورتی که ناچار به تغییر کلمه ای شده ایم، برای حفظ امانت در پاورقی به آن اشاره شده است. توضیحات داخل پرانتز و یا تأکیدات برخی نامها و ذکر معادلات لاتین بعضی از اسم ها، درست همچون اصل رعایت شده و حتی از حذف حروف زایدی چون «تا» که گهگاهی در جمله بندی ها آمده نیز خودداری شده است. ضمناً در مورد برخی کلمات همچون تلفیق و آتش، معادلات مصطلح و درست آنها یعنی تلفظ و اتاشه نوشته شده است. پاورقیها اغلب به منظور فهم بیشتر وقایع و مطالب بیان شده است. امید است که در آنها اطالعه کلام راه نیافته باشد. در این کتاب نکات بکر و خواندنی فراوان است و ذکر حتی فهرست این مطالب در مقدمه نیز مقدور نیست ولی به چند نکته نسبتاً حساس اشارتی داریم:

در این کتاب نویسنده قبل از هر چیز از زبان یک سیاه تمدار کهنه کار با شرایط بحرانی آن روزگار آشنا می شود و با توجه به این نکته که خاطرات سیاسی منتشر شده از آن دوران شاید به عدد انگشتان دست هم نرسد اهمیت موضوع واضح تر می گردد.

خان قشقایی چهره افراد را بسیار صریح روشن می کند: از مخالفت شاه با انتخاب شدن محمد حسین قشقایی صحبت می کند و یا از تحریکات شاه، اشرف و علیرضا سخن می گوید. از مستر دوگلاس امریکایی یاد می کند و گله او از اشرف و شاه به خاطر قحطی آذربایجان و جواب اشرف که می گوید علف بخورند! ناصر قشقایی صریحاً تظاهرات حزب توده را انگلیسی می خواند و به اسناد حمایت مقامات انگلیسی از توده ایها و توصیه آنها جهت انتخاب آنان به نمایندگی مجلس اشاره می کند و در جای دیگر از قول سید ضیاء می گوید: صلاح نیست با انگلیسها مخالفت کنی. ذکر خصوصیت طرفداران شاه و ضد صدقی ها، نقل کامل جریان ترور رزم آرا، ماجرای سی ام تیر و نهم اسفند و بیست و هشتم مرداد از نکات مهم دیگر کتاب است.

جایی که از دهر امریکایی نقل می کند که «شاه باشند، رزم آرا نخست وزیر باشد؛ آیت الله کاشانی هم تقویت و رئیس مسلمین خاورمیانه بشوند و ایلات نیز تقویت شوند.» خواننده مجبور است تأمل کند.

ناصرخان درباره ماجرا و اشخاص سخن می گوید و چهره افرادی همچون مکی و امیر



همایون بوشهری و... را بخوبی به نمایش می‌گذارد اما با این همه، ارزش خاطرات ناصرخان صرفاً به مسایل سیاسی مطرح شده نیست. در این کتاب از اوضاع اجتماعی و جغرافیایی ایل قشقایی، از وضعیت شکار و حیوانات آن منطقه و مناسبات انسانی مردم آن سامان با هم و از اوضاع ارضی و دامداری آن خطه نیز فراوان سخن به میان آمده است. بالآخره ناصرخان در این نوشته به وضعیت اقتصادی دولت مصدق، به روابط مختلف با اقشار و طیفهای گوناگون اجتماعی خود و به روابطش با رهبران نظامی منطقه و... اشارتها دارد.

از لایه لای این خاطرات می‌توان به وضعیت فرهنگی و فکری کل ایران و به خصوص ایلات جنوب پی برد، به خصوص که خود در اغلب روزهای خاطرات بدان اشاره نموده است. درباره این کتاب ذکر چند نکته دیگر نیز ضروری است:

۱- مؤلف در کتاب از رفتن خود به عروسی پسر الیاس خان کشکولی از دوازدهم تا هفدهم فروردین ۳۱ سخن به میان می‌آورد. در این مدت در مرکز شایع می‌شود که وی جهت توطئه چینی علیه حاکمیت به میان کشکولها رفته است. اسناد رسمی و محرمانه این واقعه به پیوست عرضه خواهد شد تا به غنای مطالب مذکور افزوده شود<sup>۷۱</sup>. [پیوست ششم]

۲- در جریان مبارزه مصدق با شرکت سابق نفت مصدق از ناصرخان و عده‌ای دیگر می‌خواهد پرونده انتخابات دوره نهم مجلس شورای ملی را که قرارداد ۱۹۳۳ را در زمان رضاشاه تصویب کرده بررسی کنند. در بررسی که وی و غلامحسین رحیمیان از این پرونده‌ها کرده‌اند، نکات حساس و جالبی از اعمال نفوذ شاه و درباریان در انتخاب افراد به میان آمده است. شادروان محمود تفضلی در کتاب مصدق، نفت و کودتا ضمن شرح مفصلی که تکمیل خاطرات ناصر است می‌نویسد: این اسناد در ۲۸ مرداد ۳۲ از دست رفته‌اند<sup>۷۲</sup>. ولی با انتشار خاطرات ناصر می‌توان گفت بخشی از آن اسناد احیاء شده‌اند.

۳- به شهادت کتاب حاضر، از تاریخ نهم اسفندماه ۱۳۳۱ تا آخر آذر ۱۳۳۲ از استان فارس خارج نشده است، لذا نمی‌تواند به عنوان رابط از آقای کاشانی در تاریخ ۲۷ مرداد ۳۲ نامه برای دکتر مصدق ببرد. با توجه به این مطلب و نیز این نکته که در اواخر عمر دولت مصدق روابط آیت‌الله کاشانی و قشقایی تیره بوده، به نظر می‌رسد نامه معروف آیت‌الله کاشانی به مصدق و جواب مصدق در تاریخ ۲۷ مرداد سوی قرلنن موضوعی و ذهنی، جعلی باشد.

۴- قشقایی بعد از کودتا از دونفر ناشناس نام می‌برد که از طرف حزب توده جهت

۷۱. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۳۲۱۸ از سری اسناد وزارت کشور.

۷۲. تفضلی، محمود - مصدق، نفت، کودتا، صص ۱۶۸ تا ۱۷۰.

مذاکره و اتحاد با قشقاییها به فارس آمدند و با وی مذاکره کرده‌اند. به گفته نورالدین کیانوری، این دونفر خسرو روزبه و سرهنگ چلیپا بوده‌اند.<sup>۷۳</sup>

۵ - محمد ناصر صولت قشقایی وقایع کودتای بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ را به طرز بدیع و نوبه صورت چند پرده بیان می‌کند. وقایع نقل شده از جریان کودتا، بمضاً در هیچ منبع مدون و غیرمدونی نیامده است

مسئلاً خاطرات ناصر قشقایی از مهمترین منابع درجه اول تاریخ سیاسی ایران است. کمیت و کیفیت مطالب مطرح شده توسط وی آن هم به شکل روزشمار خواننده را لحظه به لحظه با وقایع نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای امریکایی، انگلیسی ۲۸ مرداد به پیش می‌برد.

ناصر قشقایی (بدون در نظر گرفتن انگیزه‌هایش) مسلماً از خادمین به مملکت در عرصه سیاسی در سالهای (۱۳۳۲ - ۱۳۲۹) بوده است و به همین جهت خواندن خاطراتش بی‌گمان در تحلیل‌های سیاسی نسبت به آن دوران مؤثر است.

در خاتمه لازم است از سروران گرامی آقای سرهنگ غلامرضا نجاتی نویسنده محترم، آقای پرویز بدیمی و خانم فاطمه قاضیها، مسئولین محترم بخش اسناد قدیم سازمان اسناد ملی ایران که جهت غنای مطالب کتاب ما را یاری دادند تشکر کنیم. ضمناً سپاس فراوان خود را نثار یکی از مشایخ ایل قشقایی نیز می‌نمایم. هر چند بنابه فروتنی بزرگ‌منشانه خود میلی به ذکر اسمشان نشان ندادند.

والسلام

۱۳۶۶/۲/۱۲



بیت موزه

نوم کتابت
کلون
ذکر نمره ملی قبل
شعبه تحریکات
ارسال و مراجعت

www.Bakhtiaries.com

در کتابت شماره ۱۳۳۹ فروردین ۱۳۳۹ تاریخ نویسنده  
 نگارنده کتابت: وزارت داخله، اداره موزه، تهران  
 شماره کتابت: ۱۳۳۹ فروردین ۱۳۳۹  
 نام نویسنده: وزارت داخله، اداره موزه، تهران  
 نام نگارنده: وزارت داخله، اداره موزه، تهران  
 تاریخ: ۱۸ فروردین ۱۳۳۹  
 نام کتاب: ...



بیت موزه  
 وزارت داخله  
 اداره موزه  
 تهران  
 تاریخ: ۱۸ فروردین ۱۳۳۹  
 نام کتاب: ...

(بیوست بک)

۳۷۱۹  
 تاریخ ۱۸ فروردین ۱۳۳۹  
 اسم نویسنده صادره

نوم کتابت
کلون
ذکر نمره ملی قبل
شعبه تحریکات
ارسال و مراجعت







شماره ۳۱۵

سال ۱۳۲۰



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

شماره ۱۱۲

تلفظ اول

تاریخ صدور	تاریخ صدور	تاریخ صدور	تاریخ صدور	تاریخ صدور
۱۳۱۰	۱۳۱۰	۱۳۱۰	۱۳۱۰	۱۳۱۰

حضرت مبارک حضرت انور اقا محمد باقر السلطنه نخست وزیر معهود و امانت دار  
 قطعه اول آن به وقتیکه در خدمت جناب آقای آقا میرزا علی محمد باقری حکام نظام  
 نخست وزیر و حضرت انور، از او میبایست خدمت و وسعت تشریفات میبایست  
 قلم به وجه معهود این شاه با آن روحیات راست میبایست حضرت انور بلکه به بدین وجه  
 علت این امر آنست که در این خصوص از جناب آقای آقا میرزا علی محمد باقری حکام  
 سلطنت و تقاضای داده شد تا در این خصوص به وزارت معارف و صنایع مستظرفه حضرت  
 انور میبایست اقدام نماید و این مورد به بدین طریق است که از آنجا است و بدین ترتیب  
 شد کرد تا از اصطلاح و پیوسته گردان شریف معهود، ملاحظه فرمایند تا صورت عالی.

سید محمد باقر  
 وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

توجه فرمایید که این سند در تاریخ ۱۳۱۰ در شهر تهران صادر شده است و در صورت لزوم باید به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ارسال گردد.

این سند در تاریخ ۱۳۱۰ در شهر تهران صادر شده است و در صورت لزوم باید به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ارسال گردد.

این سند در تاریخ ۱۳۱۰ در شهر تهران صادر شده است و در صورت لزوم باید به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ارسال گردد.

این سند در تاریخ ۱۳۱۰ در شهر تهران صادر شده است و در صورت لزوم باید به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ارسال گردد.

این سند در تاریخ ۱۳۱۰ در شهر تهران صادر شده است و در صورت لزوم باید به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ارسال گردد.

این سند در تاریخ ۱۳۱۰ در شهر تهران صادر شده است و در صورت لزوم باید به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ارسال گردد.

این سند در تاریخ ۱۳۱۰ در شهر تهران صادر شده است و در صورت لزوم باید به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ارسال گردد.

(پیوست چهارم)

(پیوست پنجم)



ب  
۱۵۳

شماره ..... تاریخ ۱۵/۱/۱۳۳۳ پیوست



وزارت کشور

ژاندارمری کل کشور  
دوره ..... دایره .....

خبر

دوره

وزارت کشور

گزارش

محترماً معروض میگردد - گزارش تلگرافی بازرسی ژاندارمری فارس حاکی است .  
 آقای محمد ناسرفدانی تلگرافی به رییس ناحیه مخابره نموده که چون در فواخیشهرتی داده اند که اینجاب  
 در تارودان بر علیه دولت قیام نماید و این امر در لحاظ بر خلق حیثیت است و ممکن است برای تعیین شخصاً به محصل  
 بروم دستور داده شود و سروران محشی فرمائید شرومان فیروز آباد را در اختیار رنده باند که اولاًم بند در تعیین معلی  
 حضور پیدا کند به محل بیاید چون از زحمت لاجا و نیروی ازنا به مات نشود ممکن است به وقت باعث زحمت شده و ضارت  
 بیرون تا پذیرای برای مملکت شود بنده لی شماره ۷ یا پشان جواب داده و شخصاً المینان دام گذشته از اینکه -  
 اقداماتی از طرف آقایان بر علیه مفتاح کوز و تفرغوا هفت بدین هم دام اگر کسی بخواند عمل نماید با و کوی خواهد  
 فرموده از طرف بازرسی ناحیه فارس به مرکز میوزانستورات آفری جهت اعزام افسر مورد تقاضا از محمد ناسرفدانی  
 برای تعیینات معلی صادر رنده نخبه به تماماً قیام بعضی خواهد رسید . س .

فرمانده ژاندارمری کل کشور - سرنبر کلپسرا

مأمور در دسترس  
۱۵/۱/۳۳

وزارت کشور  
شماره ۱۵۱۹  
تاریخ ۱۵/۱/۳۳

سراندر کل ۱۵/۱/۳۳

(پیوست شش)